

طراحی مدل راهبردهای آموزش مذهبی کودکان پیش دبستانی در خانواده (پژوهشی آمیخته)

دکتر جواد کیهان*

چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی و برازش مدل راهبردهای آموزش مذهبی کودکان در خانواده‌ها انجام شده است؛ روش تحقیق به شیوه ترکیبی (آمیخته) با طرح کیفی - کمی است. جامعه پژوهشی تمام والدین دانش آموزان دوره پیش دبستانی شهرستان ارومیه بودند که ۱۴ نفر به صورت هدفمند و با رعایت قاعده اشباع نظری داده‌ها انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کیفی، مصاحبه نیمه ساختار یافته و در بخش کمی، پرسش نامه بود. بعد از کسب رضایت والدین مصاحبه‌ها به صورت کاملاً ناشناس ضبط و پیاده گردید. در بخش دوم تعداد ۲۲۲ نفر از والدین با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و به سوالات پرسش نامه پاسخ دادند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در تحلیل کیفی از روش چهار مرحله‌ای پاول و رنر (۲۰۰۳) و در بخش کمی از مدل معادلات ساختاری استفاده گردید. نرم افزار مورد استفاده در بخش کیفی MAXQDA10 در بخش تحلیل کمی نرم افزارهای SPSS16 و AMOS21 بود. بر حسب نتایج تحقیق کیفی، والدین از چهار راهبرد عمده «الگوسازی»، «سبک زندگی اسلامی»، «رسانه‌های آموزشی» و «محیط‌ها و مناسبت‌های مذهبی» برای آموزش مذهب فرزندان‌شان استفاده می‌کنند. همچنین یافته‌های مدل معادلات ساختاری نشان داد که راهبردهای چهارگانه مدل مفهومی تحقیق بر متغیر شیوه‌های آموزش مذهبی والدین به کودکان برآزش داشته و تأثیر گذار هستند؛ همچنین مؤلفه‌های «الگوسازی» و «سبک زندگی» در بیشترین سطح تأثیر گذاری قرار داشتند. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود والدین در آموزش‌های مذهبی نسبت به تأثیرات این روش‌ها نیز آگاهی داشته و با توجه به اثرات این روش‌ها در تربیت دینی فرزندان‌شان بکوشند.

واژه‌های کلیدی: مشارکت والدین؛ راهبردهای آموزش مذهبی؛ کودکان پیش دبستانی

مقدمه

ادیان و مذاهب جزء لاینفک تار و پود جوامع بشری هستند. به طوری که گرایش‌های مذهبی، جزء مهم‌ترین مؤلفه‌های شخصیت و ارزش‌های شخصی افراد محسوب می‌شوند. یافته‌های مطالعه‌ای که در سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۰۰ در مورد ارزش‌های عمومی ۶۰ کشور جهان انجام شد، نشان داد در ۸۲ درصد از کشورهای مورد مطالعه، حداقل یک مذهب به‌عنوان مذهب غالب مردمان کشور وجود دارد؛ پیروی از مذهب در زندگی، برای ۷۱ درصد از افراد مشارکت‌کننده در پیمایش اهمیت به‌سزایی داشت، و ۵۷ درصد گزارش دادند در هفته چندین مرتبه به نماز و عبادت مشغول می‌شوند (Arold, Woessmann & Zierow, 2019:24). علاوه بر این محققان معتقد هستند که جهت‌گیری مذهبی، در پیش‌فرض اندیشه‌های زیربنایی تمام‌اندیشمندان و متفکران (معتقد و غیرمعتقد) علمی- اجتماعی قابل لمس است. به طوری که حتی در اندیشه‌های اقتصادی ماکس وبر نیز وجود جایگاهی برای جهت‌گیری‌های مذهبی قابل تصور است (Campante and Yanagizawa- Drott, 2015: 1).

از سویی دیگر، وجه مشترک تمام ادیان و مذاهب این است که رهنمودهایی رفتاری و کرداری ویژه‌ای برای پیروان خود تجویز می‌کنند، به عبارتی همه آنها پیروان خود را محدود به چارچوب خاصی می‌کنند. متخصصان با ملاحظه کردن این نوع تأثیرگذاری ادیان و مذاهب، آنها را نوعی سازمان غیررسمی قلمداد می‌کنند. چرا که به واسطه چارچوب تحمیل شده بر پیروان مذاهب، ساختاری اقتصادی، سیاسی، و تعاملات اجتماعی ویژه‌ای برقرار می‌شود. بدین ترتیب رهنمودهای ادیان و مذاهب برای پیروان در قالب چارچوب‌هایی با پیروانشان آموزش داده می‌شوند این رهنمودها معمولاً توسط رهبران دینی، مبلغان، مکتب‌خانه‌ها و حتی خانواده‌ها (والدین) آموزش داده می‌شوند (Braten & Everington, 2019 :290).

در مبحث آموزش کودکان، خانواده نخستین و مهم‌ترین محیطی است که کودک در آن پرورش می‌یابد و عقاید و باورهای خود را از آنجا به‌دست می‌آورد. به بیانی دیگر «خانواده نهادی مهم، کلیدی و کانون رشد و آرامش بشری است که بر اساس طبیعت و فطرت الهی و نیازهای جسمی و روحی تشکیل می‌شود و انسان راه کمال خود را از این طریق می‌پیماید. خانواده نهاد قدرتمند تربیتی است که در آیات و روایات

بر نقش تربیتی آن تأکید فراوان شده است و استحکام و نقش‌آفرینی آن، برای رفع دغدغه‌های والدین، اجتناب‌ناپذیر است» (حاجی‌بابایی، ۱۳۹۱: ۳). این محیط مورد توجه تمامی ادیان و مکاتب بشری بود و در دین مبین اسلام و هم‌چنین بزرگان آن مورد توجه ویژه بوده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «و از آن همه آیات الهی و حکمتی که در خانه‌های شما تلاوت می‌شود متذکر شوید و پند گیرید، و بدانید که همانا خدا را (به خلق) لطف و مهربانی است و (به حال همه) آگاه است» (احزاب، ۳۴). از این‌رو، خانواده به‌عنوان نخستین مدرسه و دانشگاه کودک، زیربنا و اساس همه نهادهای ارجمند در اسلام و در عین حال مهم‌ترین رکن ترقی و تکامل هر جامعه است. اگر این محیط تربیتی در مسیر صحیح تربیت اسلامی و در چارچوب برنامه‌های قرآن و سنت باشد، می‌تواند سهم بزرگی در پیشرفت و ترقی جامعه خویش داشته باشد. از این‌رو تحقیق حاضر در صدد است تا ضمن مطالعه راهبردهای آموزش مذهبی والدین به کودکان پیش‌دبستانی، برآزش آن را نیز با بهره‌گیری از رویکردهای معادلات ساختاری ارزیابی نماید.

آموزش و پرورش پیش‌ازدبستان از دیرباز در کشور ما به‌عنوان مرحله‌ای از آموزش مطرح بوده است. مسأله تعلیم و تربیت کودکان در دوره پیش‌دبستانی که باید آن را سال‌های سازندگی و تشکیل‌دهنده بسیاری از صفات و ویژگی‌های کودک نامید از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. پژوهش‌گران معتقدند که هدایت کودکان جز از طریق پرورش صحیح مذهبی آنان میسر نیست و کودکان برای پذیرش رفتارهای صحیح و مطلوب اجتماعی از طریق آموزش مسائل مذهبی، آمادگی بیشتری دارند تا از راه‌های دیگر (زینال‌پور و کیهان، ۱۳۹۷: ۷۳). دوران کودکی نزدیک‌ترین دوره به فطرت پاک الهی است و همین ویژگی اهمیت تربیت در این دوران را پررنگ و قابل توجه می‌کند. کودک در دوران اولیه زندگی خود هر چند به رشد شناختی دست نیافته است و توانایی تجزیه و تحلیل دقیق مسائل را ندارد، قدرت تخیل و تقلید و نیز حافظه‌ای قوی دارد که هرآنچه را می‌بیند و می‌شنود، با دقت ثبت و ضبط و در ذهن خود ذخیره می‌کند و با تخیل خود، آن را می‌پرورد (شمشیری و نوذری، ۱۳۹۷). در واقع یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌ها که لزوم آموزش مفاهیم دینی را توجیه کند وجود‌گرایش دینی و میل به سوی امور مذهبی در کودک است. مفاهیم اساسی دین اسلام، از قبیل اعتقاد به خدا و دین،

اموری هستند که با سرشت اولیه و دست نخورده کودک، و به تعبیر قرآنی، با فطرت او سازگار است. هم‌چنین کودکان در این دوره دارای ویژگی‌های روان‌شناختی مانند خودمحوری، جاندارپنداری، ساخته‌پنداری و تک‌بعدی دیدن امور هستند. وجود این دلایل، اهمیت پرداختن به آموزش مذهبی را در این دوره نشان می‌دهد. بنابراین اهمیت این دوره و میزان اثرگذاری فراوان آن بر دوره‌های بعدی بر اهمیت تربیت دینی و آشنایی با راهکارهای آموزش مذهبی می‌افزاید.

از طرف دیگر، خمیر مایه شخصیت کودکان در کانون خانواده شکل می‌گیرد و تقلید از رفتار والدین و دیگر اعضای خانواده از بارزترین ویژگی‌های سنین پیش‌دبستانی است. والدین کودکان ستون خانواده‌ها هستند؛ بدون وجود والدین، خانواده معنای واقعی پیدا نمی‌کند لذا والدین و نقش آنها در آموزش کودکان به‌عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در خانواده همواره مورد مطالعه و توجه بوده است. در حقیقت مشارکت والدین در آموزش کودکان، موضوع جدیدی نیست. شاید به جرأت بتوان گفت، با نگاهی به پیشینه آموزش و تحصیل فرزندان، پیشینه مشارکت والدین بسیار قدیمی‌تر از مشارکت و شروع فعالیت‌های مدرسه‌ای باشد. وقتی صحبت از دخالت خانواده در آموزش کودکان به میان می‌آید به‌طور کلی اسامی افرادی مانند (Epstein, 2007) و نیز آثار و کارهای (Hoover- Dempsey, and Sandler, 1997) بیشتر از بقیه مطرح هست. این نظریه‌ها روی دو موضوع بیشتر تمرکز داشته‌اند: اول اینکه والدین چگونه در امر آموزش کودکان خود مشارکت می‌کنند و دوم اینکه انگیزه آنها برای انجام این کار چیست؟ در راستای پاسخ‌گویی به این سؤالات، محققان مطرح شده دو نظریه «نوع‌شناسی Hoover- Dempsey and Sandler's theoretical model, 1997 و Epstein's typology, 2007» را مطرح کرده‌اند و خود آنها موضوع مطالعات بی‌شماری نیز بوده‌اند.

یکی از اولین نظریه‌هایی که در موضوع مشارکت والدین ارائه شده است نظریه نوع‌شناسی اپستین است؛ (Epstein, 2007) معتقد بود خانواده و مدرسه می‌توانند به شش طریق متفاوت با هم مشارکت داشته باشند: الف) تأمین نیازها مدرسه، ب) حفظ ارتباط متقابل، پ) مشارکت داوطلبانه والدین در فعالیت‌های مدرسه، ت) کمک به مدرسه در امر یادگیری دانش‌آموزان در خانه، ث) مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و خط‌مشی‌گذاری‌های مدارس، و ج) همکاری در سطح جامعه. برطبق نظریه اپستین، مدارس در جهت تقویت

روابط خود با والدین تلاش می‌کنند فعالیت‌های مشترک والد-کودک را در خانه بیشتر نمایند از جمله این فعالیت‌ها را می‌توان به اختصاص دادن مراسم‌های از روزنامه دیواری مدرسه به فعالیت‌های والدین، دعوت از والدین برای صحبت در مراسم‌های مدارس، سپردن هدایت بعضی از فعالیت‌های مدرسه به والدین، برگزاری کنفرانس‌ها یا جلساتی بین والدین-معلم برای تبادل اطلاعات در مورد دانش‌آموزان، و انواع مختلفی از فعالیت‌های دیگر اشاره نمود اپستین (۲۰۰۷) یافته‌های پژوهش‌هایی که بر پایه این نظریه انجام گرفته‌اند حاکی از آن است به میزانی که مدارس تلاش کنند انواع مشارکت‌های ششگانه اپستین را بیشتر کنند، عملکرد و رفتار دانش‌آموزان نیز بهبود می‌یابد (Bunnell, 2016:23). غیر از مدل نوع‌شناسی اپستین و فعالیت‌هایی که طی آن نظریه در مورد مشارکت والدین ارائه شده است، هوور-دمپسی و ساندرلر نیز در این زمینه مدل نظری دیگری ارائه داده است و طی آن ساختاری برای بررسی انگیزه‌های والدین در مشارکت مدارس مطرح می‌شود. بر طبق این نظریه، انگیزش والدین در سه حوزه قابل طبقه‌بندی است: اعتقادات و باورهای والدین، اجابت دعوت به مشارکت، و محیط زندگی والدین (Hoover- Dempsey and Sandler, 1997:17). این نظریه‌ها و موارد مشابه حاکی از اهمیت مشارکت والدین در آموزش و تربیت فرزندان دارد. بررسی ابعاد و شمول این نظریه‌ها نشان می‌دهند که از زوایای مختلفی می‌توان مشارکت والدین را مطالعه نمود؛ در این دو نظریه اپستین بر روی فعالیت‌هایی که والدین می‌توانند در مشارکت با مدرسه به آموزش و تربیت فرزند خود کمک کنند نشان داده شده است؛ در حالی که در نظریه هوور-دمپسی و ساندرلر عوامل انگیزشی که والدین را به سمت مشارکت در تربیت فرزندان خود رهنمون می‌کند مورد توجه است.

بررسی ادبیات پژوهشی مرتبط با موضوع نیز نشان می‌دهد که تحقیقات بسیار کمی وجود دارد که به صورت نظام‌مند و بر اساس تجارب زیسته والدین، شیوه‌های آموزش دینی به کودکان پیش‌دبستانی را در خانواده‌های ایرانی مطالعه کرده باشد. فتحی و اجارگاه، خراسانی و رودی (۱۳۹۱) طی تحقیقی دریافتند والدین بیشتر در واکنش به عوامل فرهنگی-اجتماعی جو رقابتی مدارس، خالی بودن جای آموزش‌های اخلاقی و ارزش‌های انسانی در برنامه‌های درسی مدارس و تجربیات آموزشی والدین و احساس مسئولیت آنان در قبال کودکان خود، به سمت آموزش

کودکان در منزل کشیده می‌شوند. حکیم‌زاده، میرزابیگی، و رسولی سقایی (۱۳۹۲) نیازهای آموزشی بعد اخلاقی - مذهبی والدین را مهم‌ترین نیاز آموزشی اولیاء در برنامه‌های آموزش خانواده گزارش داده‌اند. سوهانی، امیری قائمی، و کیلی و آهنگران (۱۳۹۶) در تبیین نقش مربیان و والدین در تعمیق باورهای دینی در کودکان با رویکرد قرآنی نشان دادند الگوآفرینی، محبت، تشویق، بصیرت‌بخشی و روش قصه‌گویی مؤثرترین روش‌های قرآنی هستند که والدین و مربیان را در درونی کردن آموزه‌های دینی در کودکان و نوجوانان یاری می‌دهند. یافته‌های پژوهش جعفری‌زاده و حجتی (۱۳۹۶) حاکی از این است که قصه‌های قرآنی بر عزت نفس کودکان تأثیر معنی‌داری ندارد و فقط بر عزت نفس کودکان در بعد خانوادگی مؤثر است. آقامحمدی (۱۳۹۵) در طراحی الگوی خانواده صالح و شایسته و نقش آن در تربیت دینی فرزندان بر اساس مبانی قرآن و نظرات خبرگان نشان داد که دین‌داری، علم و دانش، معرفت و بصیرت تعهد و مسئولیت‌پذیری، عدالت‌محوری و حق‌طلبی، اعتدال و میانه‌روی، تعظیم شعائر اخلاقی و الهی و نیز بهداشت جسمانی و روانی، هشت مؤلفه اصلی خانواده شایسته و صالح که در تربیت دینی فرزندان مؤثر هستند. کمیجانی و فریادرس (۱۳۹۴) تربیت دینی - اسلامی را به پنج مرحله انس دینی، عادت دینی، معرفت دینی، عمل به دستوره‌های دینی و خودجوشی دینی تقسیم کرده است. شعاع کاظمی، اوشانی و نقیب (۱۳۹۴) نشان می‌دهد که بین دین‌داری والدین و رشد اخلاقی کودکان رابطه معناداری وجود دارد و همچنین تفاوت معناداری بین دین‌داری والدین و رشد اخلاقی دانش‌آموزان برای دختران و پسران وجود دارد. یورگنسن، راپلیا، شویچلر فانگ، و موران نشان دادند بین ارتباطات والدین با فرزندان و نوع شخصیت خانوادگی و فردی والدین با جوانان همبستگی قوی وجود دارد (Jorgensen, Rappleyea, Schweichler, Fang, & Moran, 2017). لوئیکس، سوئنس، وانشتینکیست، گوزنز، و برزونسکی طی تحقیقی گزارش دادند که تعاملات والدین با کودکان آنها در سنین پایین بر شکل‌گیری و هویت‌یابی، و عوامل روان‌شناختی جدایی یا دلبستگی عاطفی در بزرگسالی تأثیر معناداری دارد (Luyckx, Soenens, Vansteenkiste, Goossens, Berzonsky, 2017).

نگاهی گذرا به تغییر و تحولات تعلیم و تربیت پیش از دبستان در نیم قرن گذشته،

نشانگر این واقعیت است که مبحث تربیت دینی و مذهبی گاهی به عمد و گاهی به سهو نادیده گرفته شده و یا بر اساس یافته‌های پژوهشی بدان پرداخته نشده است (تذهیبی و جوادنیا، ۱۳۹۵: ۲۳). به عبارت دیگر، به رغم اهمیت دوره کودکی پیش‌دبستانی و لزوم پرداختن به تربیت دینی، متأسفانه پژوهش‌های انجام شده در این حوزه بیشتر اسنادی و روایی و مبهم‌اند و به صورت دقیق، الگویی را برای تربیت دینی در دوره کودکی معرفی نمی‌کنند (شمشیری و نوذری، ۱۳۹۷: ۴۵). همان‌گونه که باهنر نیز می‌گوید: «دلیل عمده عدم موفقیت در راه تربیت دینی کودکان، نقص در برنامه‌هاست» (باهنر، ۱۳۸۸: ۷۵۳). لیکن تزلزل و مشکلات موجود در این زمینه، لزوم بازنگری عمیق مبتنی بر مطالعه و طراحی برنامه‌های آموزش مذهبی برای این کودکان را الزامی می‌کند. با توجه به این کمبود، تحقیق حاضر در پی آن است که به طراحی و برآزش مدل راهبردهای آموزش مذهبی کودکان در خانواده‌ها بپردازد.

روش پژوهش

مطالعه حاضر ترکیبی (آمیخته) با طرح کیفی- کمی است؛ در تحقیق حاضر ابتدا با بهره‌گیری از رویکرد پژوهش‌های کیفی از نوع پدیدارشناسی، راهبردهای آموزش مذهبی به کودکان پیش‌دبستانی از سوی والدین مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه این بخش در قالب مدلی مفهومی به دست آمد. در بخش دوم که از رویکرد پژوهش‌های کمی- مدل معادلات ساختاری بهره گرفته شده است، میزان مرتبط بودن مقوله‌های استخراج شده در بخش اول تحقیق بررسی گردید، در این راستا مضامین به دست آمده در بخش اول به صورت پرسش‌نامه تهیه گردید و در بین نمونه آماری بزرگ‌تری از جامعه آماری تحقیق توزیع شد.

جامعه پژوهشی تحقیق حاضر، والدین دانش‌آموزان دوره پیش‌دبستانی شهرستان ارومیه بودند؛ در بخش اول با هدف انجام مصاحبه، تعداد ۱۴ نفر به صورت هدفمند به عنوان نمونه انتخاب شدند؛ تأییدیه اولیای مرکز پیش‌دبستانی، سواد تحصیلی حداقل دیپلم، استشهاد محلی مبنی بر فردی مؤمن و معتقد، معیارهای ورود والدین به تحقیق بودند. ملاک حجم نمونه رعایت قاعده اشباع نظری داده‌ها بود. تمام والدین به صورت کاملاً داوطلبانه و با رضایت‌مندی شخصی در مطالعه حاضر شرکت نمودند. قبل از

انجام مصاحبه و مطالعه، به صورت حضوری با آنها صحبت شد. و در مورد اهداف تحقیق شفاف سازی گردید، بعد از ابراز رضایت کسب رضایت والدین از آنها وقت قبلی گرفته شد و مصاحبه ها به صورت کاملاً ناشناس ضبط و پیاده گردید. در بخش دوم نیز تعداد ۲۲۲ نفر از والدین با روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شده و به سؤالات پرسش نامه پاسخ دادند.

ابزار گردآوری داده ها در بخش کیفی مصاحبه نیمه ساختاریافته و در بخش کمی پرسش نامه بود. در بخش مصاحبه در گزینش والدین، افرادی انتخاب شدند که بنا به گزارش مربی آموزشگاه مقید و متعهد به رعایت اصول مذهبی متعارف اجتماعی بودند؛ هم چنین این افراد به مسائل مذهبی و آموزش آن برای بچه های خود اهمیت می دادند. بعد از انتخاب افراد، ابتدا مربی موضوع پژوهش را با آنها در میان می گذاشت و بعد از قبول مشارکت در مصاحبه، با تعیین وقت قبلی، پرسش های مصاحبه مطرح می شد و از اولیاء خواسته شد که به آنها پاسخ دهند. سؤالات با استناد به مبانی نظری آموزه های دینی، طراحی شدند. و برای دست یافتن به هدف های تحقیق، مصاحبه ها به شکل نیمه ساختاریافته و عمیق انجام شد تا درک عمیق تر و آگاهی بیشتری از رویکردهای آموزش مذهبی به کودکان به دست آید. مدت زمان مصاحبه ها متفاوت بود و بر اساس وقت مشارکت کنندگان بین ۱۵ تا ۲۵ دقیقه طول کشید. پس از ضبط مصاحبه ها و تبدیل آنها به متن، با در نظر گرفتن ماهیت و طرح سؤالات مصاحبه، از رهنمودهای تحلیل تفسیری برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده گردید. مهم ترین سؤال مصاحبه حاضر عبارت بود از: شما در خانواده از چه شیوه ها یا راهبردهایی برای آموزش مذهبی فرزندان تان استفاده می کنید؟ یا مهم ترین راهبردها برای آموزش مذهبی فرزندان پیش دبستانیان در خانواده کدامند؟ در ادامه متناسب با سؤال اصلی از سؤال های پی گیر که تکمیل کننده سؤال اصلی بود استفاده می شد.

در بخش کمی، بعد از تحلیل یافته های مصاحبه کیفی و استخراج مضامین اصلی و فرعی، پرسش نامه ای متشکل از ۱۶ سؤال در مقیاس پنج درجه ای لیکرت (از ۱ تا ۵) تهیه شد. پرسش نامه تدوین شده، از چهار مضمون اصلی تحلیل کیفی شامل الگوسازی (۳ سؤال)، سبک زندگی اسلامی (۴ سؤال)، رسانه های آموزشی (۵ سؤال) و محیط ها و مناسبت های مذهبی (۴ سؤال) تشکیل شده بود و یافته های فرعی تحلیل کیفی را

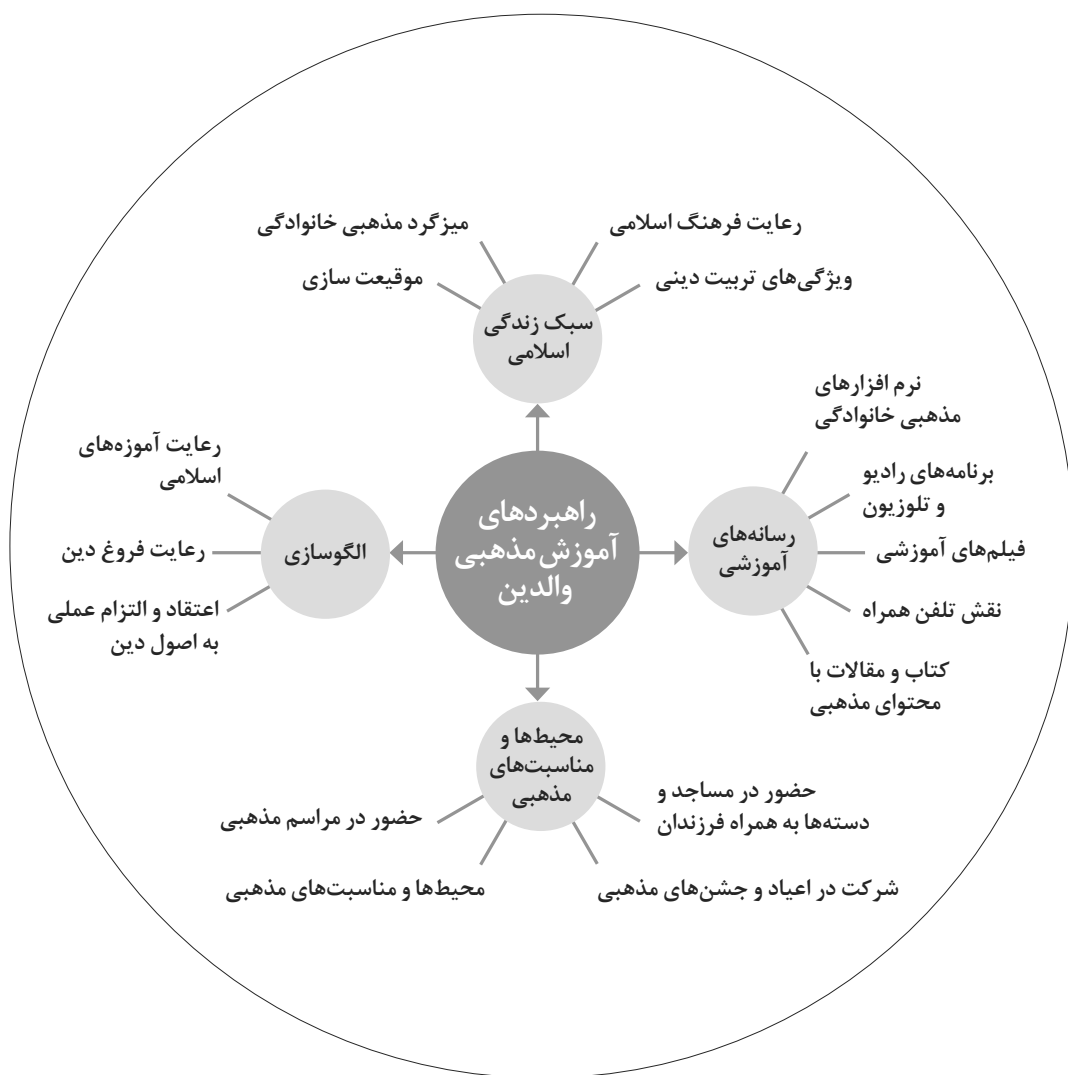
اندازه‌گیری می‌نمود. ابزار طراحی شده از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده در بین ۲۲۲ از افراد توزیع گردید، بعد از اینکه پرسش‌نامه در اختیار والدین گذاشته شد از آنان درخواست گردید بعد از پاسخ‌گویی به سؤالات پرسش‌نامه، آن را در دفتر آموزشگاه قرار دهند.

با توجه به ماهیت هر یک از رویکردهای کیفی و کمی، روایی و پایایی تحقیق نیز در بخش‌های دوگانه متفاوت بود؛ در بخش کیفی، اطمینان از دقت، کیفیت و درستی داده‌ها، همواره یکی از چالش‌های مهم در تحقیق کیفی به‌شمار می‌رود؛ «چهار معیار برای اثبات موثق بودن یک تحقیق کیفی عبارت‌اند از: معتبر بودن یا مقبولیت، قابلیت وابستگی، قابلیت انتقال و تأییدپذیری» (Streubert & Carpenter, 2007: 230). در این تحقیق محقق با در نظر گرفتن این معیارها، از روش‌های مختلفی مانند درگیری طولانی مدت با موضوع، بازبینی توسط همکار، تخصیص زمان کافی برای گردآوری داده‌ها (معتبر بودن)، ارائه جزئیات بیشتر در رابطه با شرکت‌کنندگان و خصوصیات محیط (انتقال‌پذیری)، کمک گرفتن از نظرهای دو نفر از اعضای هیئت علمی آشنا با تحقیق پدیدارشناسی و جستجو برای موارد منفی و مغایر یا توضیحات جایگزین، همچنین استفاده از یک رویکرد گروهی در اعتبار یافتن هر چه بیشتر داده‌ها (تأییدپذیری) استفاده کرد. همچنین یافته‌ها در گروه مقایسه شدند تا تمامیت توصیف‌های موضوعی را افزایش دهند. معتبرسازی نهایی یافته‌ها، از راه برگرداندن نتایج به مشارکت‌کنندگان و تأیید آنان مبنی بر اینکه شناسه‌های استخراج شده از متن مصاحبه‌ها، انعکاسی از همان گفته‌های آنان است، به‌دست آمد. همچنین، روایی صوری و محتوایی سؤالات مصاحبه توسط اساتید راهنما و مشاور با دیگر استادان انجام گرفت و برای حصول اطمینان از قابلیت وابستگی داده‌های پژوهشی، محقق پس از استنتاج از متن مصاحبه‌ها آنها را به مصاحبه‌شوندگان ارائه داد و نظر تأییدی آنان را اخذ کرد. در بخش کمی نیز برای تعیین روایی گویه‌های پرسش‌نامه از قضاوت متخصصان (روایی محتوایی) بهره گرفته شد، برای این منظور پرسش‌نامه بعد از تنظیم در اختیار استاد راهنما و دو نفر از اساتید گروه قرار داده شد و نظرات آنان اعمال گردید و برای بررسی پایایی ابزار تحقیق از آزمون ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مؤلفه الگوسازی با ضریب ۰/۸۳؛ سبک زندگی اسلامی ۰/۸۷؛ رسانه‌های آموزشی ۰/۸۴؛ و محیط‌ها و مناسبت‌های مذهبی ۰/۹۰ به‌دست آمد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در هر یک از مراحل از روش تحلیل متناسبی استفاده گردید؛ در بخش تحلیل کیفی از روش چهار مرحله‌ای پاول و رنر استفاده شد. مراحل تحلیل بدین شرح است: «ابتدا داده‌ها متناسب با سؤالات مصاحبه سازماندهی می‌شوند تا تشابهات و تفاوت‌های بین پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان به خوبی روشن شوند؛ در مرحله دوم کدهای استخراج شده طبقه‌بندی می‌شوند (دو رویکرد برای طبقه‌بندی ارائه شده است: طبقه‌های موجود و طبقه‌های نوظهور)؛ در مرحله سوم مضامین هر یک از طبقه‌ها شناسایی شده و روابط بین طبقه‌ها مشخص می‌گردد؛ مرحله چهارم، مرتب کردن نقل قول‌ها در طبقه‌ها و زیرطبقه‌ها» (Taylor- Powell and Renner, 2003:34). نرم‌افزار مورد استفاده در این بخش MAXQDA10 بود. در بخش تحلیل کمی، از روش تحلیل عامل تأییدی استفاده گردید؛ برای این منظور از نرم‌افزارهای SPSS16 و AMOS21 استفاده گردید.

یافته‌ها

برای گردآوری داده‌های تحقیق در بخش کیفی، با ۱۴ نفر مصاحبه شد؛ به لحاظ سنی، مصاحبه‌شوندگان ۲۳ تا ۴۵ ساله بودند؛ به لحاظ مدرک تحصیلی، ۸ نفر دارای مدرک تحصیلی دیپلم، سه نفر دارای مدرک تحصیلی لیسانس، و سه نفر فوق‌لیسانس بودند؛ به لحاظ تعداد فرزندان نیز نه نفر تک‌فرزند، چهار نفر دارای دو فرزند و یک نفر دارای سه فرزند بودند. به لحاظ جنسیت نیز سه نفر مرد و یازده نفر زن بودند. بعد از مصاحبه، تجربیات زیسته مشارکت‌کنندگان و رویکردهای آنها تحلیل شده و پاسخ‌های احتمالی برای سؤالات تحقیق استخراج شدند. برای این منظور تجربیات والدین که در طی مصاحبه حاصل شده بود، به محتوای نوشتاری تبدیل و پیاده شدند؛ سپس عمل تحلیل مستمر مصاحبه‌ها از طریق نرم‌افزار MAXQDA10 انجام، و مقولاتی استخراج شدند که اطلاعات بسیار ارزشمندی در مورد شیوه‌های آموزش مذهب و شریعت اسلامی والدین به کودکان پیش‌دبستانی به‌دست می‌دادند؛ خروجی به‌دست آمده در شکل شماره (۱) ارائه شده است



شکل شماره ۱

خروجی نرم‌افزار ماکس کیودا در مورد راهبردهای آموزش مذهبی به کودکان در بین والدین بدین ترتیب بر طبق یافته‌های تحقیق حاضر (شکل شماره ۱)، والدین دست‌کم از چهار راهبرد مختلف بهره می‌گیرند که در قالب مضامین اصلی تحقیق حاضر ارائه می‌شوند. هم‌چنین راهبردها یا مضامین محوری چهارگانه در ۱۶ اقدام مختلف پیاده‌سازی می‌شوند که در تحقیق حاضر تحت عنوان مضامین فرعی یا کدهای گزینشی ارائه می‌شوند؛ در ادامه یافته‌های تحقیق در قالب جدول ارائه شده است و سپس هر یک از مضامین اصلی و مضامین فرعی و نحوه شکل‌گیری آنها تشریح و تبیین می‌شوند:

جدول شماره ۱. تم‌های اصلی و فرعی مستخرج از تحلیل مصاحبه‌ها

تم‌های اصلی	تم‌های فرعی	فراوانی
الگوسازی	اعتقاد و التزام علمی به اصول دین (توحید، معاد، نبوت)	۱۴
	رعایت فروع دین (نماز، خمس، زکات و...)	۱۲
	رعایت آموزه‌های اسلامی (حجاب، غیبت نکردن، احترام به بزرگ‌ترها، دزدی نکردن، یتیم‌نوازی، احترام به سفره و...)	۱۴
سبک زندگی اسلامی	موقعیت‌سازی (پیرایش مذهبی خانه)	۱۱
	میزگرد مذهبی خانوادگی	۹
	رعایت فرهنگ اسلامی	۱۳
	روش‌های تربیت دینی (قصه‌گویی، تمثیل، و...)	۱۴
رسانه‌های آموزشی	فیلم‌های آموزشی	۱۳
	نرم‌افزارهای مذهبی خانوادگی	۶
	انتخاب برنامه‌های مناسب رادیو و تلویزیون	۱۳
	کتاب و مقالات با محتوای مذهبی	۱۰
	تلفن همراه	۱۱
محیط‌ها و مناسبت‌های مذهبی	حضور در مساجد و حسینیه‌ها به همراه فرزندان	۱۴
	شرکت در اعیاد و جشن‌های دینی و مذهبی	۱۴
	حضور در مراسمات مذهبی (سوگواری پیامبران و ائمه و برنامه‌های رحلت و...)	۱۴
	سفرهای زیارتی	۱۰

الف راهبرد اول: الگوسازی

یکی از مقوله‌های مهم که والدین در آموزش مذهبی به فرزندان خود از آن استفاده می‌کردند، مقوله الگوسازی است. الگوها، علی‌الخصوص الگوهای رفتاری،

در تربیت و آموزش رفتار به کودکان نقش برجسته‌ای دارند. برای یک کودک، بهترین الگو در درجه اول رفتار و منش والدین (پدر و مادر) است. کودک پیش‌تر از امر و نهی پدر و مادر، رفتارهای آنها را ملاحظه می‌کند. در حقیقت، کودک از لحظه‌ای که در دامن خانواده قرار می‌گیرد در حال الگوبرداری است. با در نظر گرفتن و آگاهی از این موارد است که دین مبین اسلام به والدین توصیه‌ی اکید کرده است، حتی در خلوت خود نیز مراقبت رفتارهایشان باشند (آقامحمدی، ۱۳۹۵). مصاحبه ذیل نمونه‌ی بسیار روشنی از الگوسازی والدین در خانواده‌ها را نشان می‌دهد: «...من و مامان‌شون سعی می‌کنیم مواظب کوچک‌ترین رفتارمون در خونه باشیم چرا که معتقدیم بچه‌ها همه چیز ما را زیر نظر دارند و از ما یاد می‌گیرند یعنی یکی ثانیه همه چی را بر می‌دارند...».

در ادامه مضامین فرعی مضمون محوری الگوسازی توضیح داده شده است؛ این مضمون از سه مضمون فرعی تقسیم شده است که عبارتند از:

- ۱) اعتقاد و التزام عملی به اصول دین (توحید، معاد و نبوت)؛
- ۲) رعایت فروع دین (نماز، زکات، خمس و...)
- ۳) رعایت آموزه‌های اسلامی (حجاب، غیبت نکردن، احترام به بزرگ‌ترها، دزدی نکردن، یتیم‌نوازی و...):

۱.۱. اعتقاد و التزام عملی به اصول دین (توحید، معاد و نبوت)

مصادیق اعتقاد و التزام عملی به اصول دین (توحید، معاد و نبوت) در تجربیات مشارکت‌کنندگان چنین آمده است «... رفتار ما و اعمال ما باید تداومی کننده درونه ما باشه، ما سعی می‌کنیم باورمون و درونمون را در عمل به بچه‌هامون نشان دهیم تا ببینند و باور کنند این امر در مورد اصول اساسی دینمون بسیار ضروریه» (مصاحبه‌شونده شماره ۷) در این زمینه مصاحبه‌شونده شماره (۱۰) می‌گوید: «در حد کشش ذهنی دخترم، خدا رو یادش می‌دم و سوره‌های کوتاه از جمله حمد و توحید و کوثر و فجر و... رو یادش دادم و گفتن بسم... و صدق... العلی‌العظیم رو یادش دادم و می‌دونه که گفتن این دو لازمه و نگفتنشون عین بی‌احترامی به پدر و مادر و ما نباید به قرآن بی‌احترامی کنیم».

۲.۱. رعایت فروع دین (نماز، زکات، خمس و...)

رعایت فروع دین از سوی والدین در خانواده‌ها روش دیگری بود که مشارکت‌کنندگان به زبان‌های متعدد به آن اشاره کردند و معتقد بودند که برای نهادینه‌سازی آموزش‌های دینی خود والدین باید پیشرو عمل به شعائر دینی باشند. تا براین اساس کودکان نیز به پیروی از آنها به این امر اقدام کنند. نمونه‌ای از نظرات مصاحبه‌شدگان بدین شرح است:

«خانواده شوهرم سید و دینی هستن، دختر و پسر با دیدن نماز خواندن پدرشون اونام مهر می‌دارن و نماز می‌خونن. تقلید پدرشون رو می‌کنن. به نظرم قبل از یاد دادن تئوری، دیدن بچه‌ها مهمه. بچه‌ها چیزی رو که می‌بینن یاد می‌گیرن تا اینکه بگی فلان کار و بکن یا نکن» (مصاحبه‌شونده شماره ۴).

«ما به بچه‌مون از نماز فقط حمد و توحید رو یاد دادیم و برای رکوع و سجود بچه‌ها فقط میگن الله اکبر، نماز رو تا این حد یادش دادیم و دخترم به روزه زیاد توجه نداره، منم تحمیلش نمی‌کنم. شاید امسال که یه سال بزرگ‌تر شده بهتر درک کنه و توجه کنه. ولی عید فطر رو به دلیل عیدی گرفتنش خیلی دوس داره» (مصاحبه‌شونده شماره ۹).

«تقلید پدر بزرگش رو می‌کنه و همراهش مسجد میره و اونجا یاد گرفته» (مصاحبه‌شونده شماره ۳).

۳.۱. رعایت آموزه‌های اسلامی (حجاب، غیبت نکردن، احترام به بزرگ‌ترها، دزدی نکردن،

یتیم‌نوازی و...)

آموزه‌های اسلامی یا قرآنی بر پایه و اصول احترام به انسان و کرامت‌های انسانی بنا نهاده شده است. براین اساس اخلاق فردی و هنجارهای اجتماعی محوری‌ترین مباحث و مسائل در حوزه عمل است. مصاحبه‌شوندگان در این زمینه چنین اظهار می‌کردند:

«اجازه نمی‌دم کنار سفره دراز بکشن، یادشون دادم که سفره خدا، احترام داره. بعد از باز کردن سفره، دخترم دعای سفره رو که از مربی‌شون یاد گرفته می‌خونه، شکر نعمت خداوند رو می‌کنیم. در کنار سفره دراز کشیدن و یا پا دراز کردن نداریم. هر کاری که لازمه می‌کنیم که بچه‌ها دروغ نگوین، بهشون می‌گم که خدا

همه چیز رو می‌دونه اون می‌دونه که شما راست می‌گین یا دروغ، و خدا از دست دروغگو خیلی ناراحت می‌شه» (مصاحبه‌شونده شماره ۵).

«به دخترم یاد دادیم که بزرگ‌تر می‌آد، باید از جا بلند بشی و احترام بذاری. موقعی که دستش رو روی ما بلند می‌کنه زود دستش رو می‌گیرم که نباید ما رو بزنی، قبلاً زیاد به این موردها اهمیت نمی‌دادیم می‌گفتیم بچه‌س. ولی دو ساله که به این کاراش اهمیت می‌دیم و کنترلش می‌کنیم. اگه احیاناً بی‌احترامی هم بکنه تأکید می‌کنیم که عذرخواهی کنه» (مصاحبه‌شونده شماره ۲).

ب. راهبرد دوم: سبک زندگی اسلامی

ایجاد نوعی سبک زندگی ایرانی اسلامی در خانواده‌ها از سوی والدین و تأکید بر رعایت آنها از طرف بچه‌ها، شیوه دیگری بود که به‌طور مشخص در تجربیات مشارکت‌کنندگان به‌عنوان روشی برای آموزش عملی آموزه‌های دینی قابل مشاهده بود. منظور از سبک زندگی در این تحقیق همان شیوه یا روش خاص زندگی خانوادگی و نحوه تعاملات فی مابین مذهبی بین اعضای خانواده است که طیف کاملی از عقاید، ارزش‌ها و فعالیت‌های خانوادگی آنها را به تصویر می‌کشد. در تعریف سبک زندگی چنین آمده است: «شیوه زندگی یا سبک زیستن که منعکس‌کننده گرایش‌ها و ارزش‌های فرد یا گروه است و هم‌چنین عادات، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی و... که با هم طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را شکل می‌دهند» (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۸۷). آنها بر این عقیده بودند که سعی می‌کنند در زندگی خانوادگی شرایط را طوری فراهم کنند که به قول یکی از آنها «فضای خانه و خانواده بوی معنویت بده» یا «رنگ و بوی مذهبی از درو دیوار بباره». تجربیات مشارکت‌کنندگان بیانگر اتخاذ سبک زندگی دینی در خانواده است که با عبارات خودشان در مضامین فرعی ذیل چنین نقل کرده‌اند:

۱.۲. موقعیت‌سازی (پیرایش مذهبی محیط خانه)

در تربیت اسلامی کوشش می‌شود که محیط از هرگونه بدآموزی و عامل انحرافی دور باشد. بدین‌سان در محیط خانه، مدرسه و اجتماع بدآموزی و انحراف نیست و به‌عبارت دیگر عامل تربیتی و اجتماعی یکدیگر را خنثی نمی‌کنند. وسائل سمعی و بصری و ارتباط جمعی نباید در جهت خلاف پرورش دینی باشد.

«منم خونه‌ام را طوری طراحی کرده‌ام که بوی معنویت همیشه از آن بیرون بیاد. مخصوصاً به اتاق مخصوص نماز دارم که همیشه باید تر و تمیز باشه...»
(مصاحبه‌شونده شماره ۱).

«خونه مادربزرگش رو خیلی دوست داره چون تمام عکس‌هایی که تو حرم امام رضا گرفتیم رو قاب کرده و زده به دیوار، دخترم خیلی کیف می‌کنه...»
(مصاحبه‌شونده شماره ۶).

۲.۲. میزگرد مذهبی خانوادگی

برگزاری میزگرد دینی در خانواده (دور هم نشستن اعضای خانواده و صحبت در مورد مسائل دینی و دینی) راهکار دیگری بود که مصاحبه‌شوندگان آن را به‌عنوان یکی دیگر از برنامه‌های آموزشی خود جهت اعمال آموزش‌های دینی در خانواده‌ها مطرح می‌کردند. نمونه‌هایی از بیانات مصاحبه‌شوندگان چنین است:
«مادرشوهرم هر هفته جلسه قرآنی تو خونه می‌گیره و معمولاً منو دخترم می‌ریم اونجا خیلی براش مفیده علاوه بر دینی بودن به جلسه اجتماعی هم هست» (مصاحبه‌شونده شماره ۸).

«معمولاً هر سال به بار سفره حضرت ابوالفضل باز می‌کنم که دخترم عاشق کمک کردن تو سفره هست و بهش راجع به نذری و سفره توضیح می‌دم»
(مصاحبه‌شونده شماره ۵).

۳.۲. رعایت فرهنگ اسلامی

قرآن، سنت و حدیث، منبع و سرچشمه‌های توأمان فرهنگ اسلامی هستند. همه مسلمانان به این دو منبع لایزال ایمان دارند و این تعالیم را مطابق مشیت خداوند بر اوضاع و احوال خاصی که برایشان پیش می‌آید اطلاق و اعمال می‌کنند. قرآن و سنت به‌عنوان بازتاب توحید، رفتار و شیوه زندگی مسلمانان را شکل می‌دهند. بر اساس نظرات مشارکت‌کنندگان چنانچه فرهنگ اسلامی و شعائر آن در خانواده‌ها توسط والدین رعایت شود، می‌تواند تأثیر به‌سزایی در رفتار و اعمال فرزندان داشته باشد.

«دخترم می‌بینه که من با نامحرم دست نمی‌دم ولی با دایی‌اش دست می‌دم و روبوسی می‌کنم و اون از اعمال و رفتارم یاد می‌گیره که تو فرهنگ خانوادگی

و اسلامی ما دست دادن با نامحرم صحیح نیست» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۲).
زمانی که دخترم می‌بینم من در خونه همیشه قرآن می‌خونم و به گفته‌های آن
ایمان دارم اونم سعی می‌کنه مثل من عمل کنه» (مصاحبه‌شونده شماره ۲).

۴.۲. روش‌های تربیت دینی (قصه‌گویی، تمثیل و...)

یکی از گستره‌ها در «تربیت دینی» استفاده از روش‌هایی است که نه تنها
شایسته، بلکه بایسته است که در تربیت دینی متربیان و فراگیران به‌ویژه کودکان
به کار گرفته شود و استفاده از روش‌های تربیتی صحیح، از اصول و مبانی مهمی
است که همه دست‌اندرکاران مسائل تربیتی نوجوانان و جوانان باید به آن توجهی
وافر کنند؛ امام رضا (ع) در این زمینه می‌فرماید: «هر کس در پی کاری، از همان
راه و روش آن رود، هرگز نلغزد و اگر بلغزد، راهکار رهایی‌اش را نیز بیابد»
(بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۴۰).

«بچه تربیت رو با گفتن و تکرار کردن یاد می‌گیره ولی بیشتر از اون با دیدن یاد
می‌گیره. وقتی بچه «نماز خوندن پدر و مادر رو در خونه می‌بینه، نماز خوندن رو
یاد می‌گیره. بقیه کارها هم همینطوره» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۰).
«پدرش موقع خوندن قرآن قصه‌های اون سوره رو هم می‌گه و دخترم با ذوق
و شوق گوش می‌ده و خیلی از چیزها رو با همین روش بهش یاد می‌دیم و اکثر
قصه‌های قرآنی رو بلده» (مصاحبه‌شونده شماره ۶).

همان‌طور که ملاحظه شد روش‌های تربیت دینی (قصه‌گویی، تمثیل، روش نمایشی
و...) از جمله شیوه‌ها و روش‌هایی هستند که والدین از آنها برای تربیت دینی کودکان‌شان
استفاده می‌کنند. واقعیت نیز همین است که اصولاً برای آموزش هر چیزی باید از
راه و روش خاص آن استفاده کرد. تربیت دینی که هدف نهایی آموزش دینی است
از طریق روش‌های تربیتی مورد تأکید در متون دینی ایجاد می‌شود. بنابراین، شایسته
است خوانندگان با مطالعه روش‌های تربیت دینی از متون متعدد، در راستای تربیت دینی
فرزندان خود بکوشند.

ج راهبرد سوم: رسانه‌های آموزشی

رسانه‌های آموزشی فرصت بسیار مغتنمی را برای آموزش‌های دینی در عصر
فناوری و اطلاعات و ارتباطات فراهم آورده است که لازم است از این گنجینه

ارزشمند برای آموزش هرچه بهتر دین و مذهب استفاده شود. ابزار و رسانه‌های آموزشی و کمک آموزشی یکی از لوازم فرایند یادگیری است و بر عمق و وسعت یادگیری می‌افزاید و به توانایی دانش‌آموزان ارتقا می‌بخشد. نمونه‌ای از این تجربیات بدین شرح است:

۳.۱. استفاده از نرم‌افزارهای مذهبی و قرآنی

این نرم‌افزارها که یکی از ابزارهای موفق در جذب مخاطبان هستند، قسمت‌های مختلف و متنوعی دارند که در آن آموزش نماز و وضو همراه با قصه‌های قرآنی جذاب، توضیح داده می‌شود. تربیت درست دینی کودکان و نوجوانان با استفاده از نرم‌افزارهای موجود در بازار می‌تواند یکی از مهم‌ترین راهکارها باشد که والدین به آن اشاره کردند:

«از مهدشون یه سی دی دادن که خیلی دوست داره و به ما خیلی کمک می‌کنه تو آموزش دخترم. چون هم من و هم پدرش بعضی موقع‌ها می‌مونیم که چه جوری یادش بدیم» (مصاحبه‌شونده شماره ۷).

«من کلاس دارالقرآن می‌برم و اونجا خیلی براش بهتر شده. البته برای خودم که عالی شده چون سی دی قاری‌های قرآن رو با هم گوش می‌دیم و تکرار می‌کنیم» (مصاحبه‌شونده شماره ۴).

«من از نرم‌افزارهای دبستان قرآن برای آموزش استفاده می‌کنم و خیلی هم بهش اعتقاد دارم» (مصاحبه‌شونده شماره ۴).

۳.۲. انتخاب برنامه‌های مناسب رادیو و تلویزیون

از مهم‌ترین ابزارهای امروزی دانایی، رسانه‌ها هستند. زندگی در دنیای امروز بدون رسانه قابل تصور نیست. لذا نمی‌توان نقش رادیو و تلویزیون را در زندگی روزمره نادیده گرفت. تلویزیون از یک سو، رسانه‌ای است که همه قوای ادراکی انسان (عقل، خیال و وهم) را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو، یکی از ویژگی‌های متمایزکننده تلویزیون کیفیت و جذابیت آن است. با استفاده از رسانه‌ها می‌توان در تربیت دینی کودکان کوشید.

«برنامه‌های افطار رو از تلویزیون خیلی دوست داره و معمولاً کارتون‌هایی که

در مورد امام‌ها و پیامبران هست رو حتماً ذخیره می‌کنم که دو یا سه بار نگاه کنه تا تو ذهنش ماندگار بشه» (مصاحبه‌شونده شماره ۴).
«در مناسبت‌های دینی برنامه‌های تلویزیون رو خانوادگی نگاه می‌کنیم و آگه لازم بود به بچه‌ها توضیح بیشتر می‌دیم» (مصاحبه‌شونده شماره ۹).

۳.۳. کتاب و مقالات یا محتوای مذهبی

یکی از وظایف اصلی والدین، انتخاب کتاب خوب و مناسب برای کودکان است. کودکان با توجه به ویژگی‌های سنی، تحصیلی و بر اساس پاسخ‌هایی که برای سؤالات و کنجکاویه‌هایشان دریافت می‌کنند، چگونگی زندگی، افکار و شخصیت خود را شکل می‌دهند. کتاب یکی از مهم‌ترین ابزارهای تربیتی برای کودکان است. البته کتاب‌های که خیلی ساده و ابتدایی بتوانند آموزه‌های دینی را ارائه کنند.

یکی از مصاحبه‌شوندگان چنین می‌گوید: «من برای فرزند گلم چند تا کتاب از نمایشگاه خریدم که مناسب سنش که هر از گاهی برایش می‌خونم، اونم خیلی دوست داره» (مصاحبه‌شونده شماره ۱).

۳.۴. استفاده از تلفن همراه و تبلت

امروزه استفاده از تبلت و تلفن همراه به یکی از بایدهای مسلم زندگی ما انسان‌ها تبدیل شده است و کودکان نیز با الهام از والدین از این ابزارها زیاد استفاده می‌کنند. به نظر مشارکت‌کنندگان، استفاده از این وسایل برای آموزش مسائل مربوط به دین و مذهب می‌تواند یکی از راهکارهای مورد توجه باشد. در این راستا بیانات مصاحبه‌شوندگان چنین است:

«... راستش من چند تا فیلم و چند تا بازی را که مضمون دینی دارند و چند دقیقه هم بیشتر نیستند به تبلت بچه‌هام زدم که بتونه از آن استفاده کنه» (مصاحبه‌شونده شماره ۹).

«بینید، موبایل فقط موبایل. من بخوام چیزی را در این زمینه به بچه‌هام بگم از موبایل استفاده می‌کنم همه بچه خوشش می‌آد و هم من به مرادم می‌رسم» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۳).

۵ راهبرد چهارم: محیط‌ها و مناسبت‌های مذهبی

حضور در مراسم و مناسبت‌های دینی، برنامه آموزشی دیگری بود که والدین بر اساس تجارب زیست شده خود، به شیوه‌های متعدد به آن اشاره کردند و اهمیت اساسی آن را در پرورش مذهب کودکان یادآور شدند. به اعتقاد آنها این مکان‌ها در تغذیه فکری، روحی، عاطفی و در عین حال هدایت آنان در بستر صراط مستقیم و بر اساس قرآن و عترت به‌عنوان مکان مقدس، نقش بسیار مهم دارند. مضامین فرعی این مضمون اصلی بدین شرح است:

۱.۴. حضور در مساجد و حسینیه‌ها به همراه فرزندان

یکی از مکان‌های بسیار مقدسی که با توسل به آن می‌توان کودک را با دین و معنویت آشنا کرد، حضور در محیط‌هایی مانند مسجد است. اولین گام به سوی نماز و عبادت، قدم نهادن در این مکان است. همواره باید کودک را تشویق کرد تا به عبادت در مسجد روی آورد؛ زیرا اگر بتوان شالوده ساختمان معنوی کودک را مثل ساختمان جسمی او محکم بنا کرد، آینده او که منتهی به نوجوانی و جوانی او می‌شود درخشان خواهد بود. ثمره رفت و آمد به مسجد و حسینیه‌ها انس پیدا کردن با آنهاست همین که کودک می‌بیند دیگران در یک صف به سوی یک جهت و هدف، نماز می‌خوانند خود تأثیر مثبت می‌گذارد.

«تقلید پدر بزرگش رو می‌کنه و همراهش مسجد میره و اونجا یاد گرفته» (مصاحبه‌شونده شماره ۷).

«با خودم برای نماز خوندن می‌برم مسجد» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۴).
«نزدیکی خونمون یه حسینیه است که معمولاً وقتی برای نماز مغرب و عشا می‌رم اونجا، حسین را هم با خودم همیشه به همراه می‌برم تا هم با فضای حسینیه آشنا بشه و هم خودش نماز خون بشه» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۰).

۲.۴. شرکت در اعیاد و جشن‌های دینی و مذهبی

حضور در محیط‌های دینی و شرکت در اعیاد و جشن‌های دینی همواره یکی از توصیه‌های دینی ماست که ضمن ایجاد حس شادی و نشاط نوعی حس وحدت و یک‌پارچگی را نیز به ما القا می‌کند. در واقع، شادی معنوی یکی از بهترین راه‌حل‌ها و برنامه‌هاست که با گره خوردن به باورهای دینی، علاوه بر نشاط، به آرامش روح و انس با خدا هم کمک می‌کند.

«ما اهل تسنن هستیم و معمولاً عید فطر و عید قربان رو خیلی باشکوه می‌گیریم. دخترم عاشق عیده، چون لباس نو براش می‌خریم و همه بهش عیدی میدن و منم سعی می‌کنم بهش فلسفه عیدها رو به صورت بچه‌گانه بگم» (مصاحبه‌شونده شماره ۳).

«مناسبت دینی که پیش می‌آد راجع به اون سؤال می‌پرسه و منم جوابشو می‌دم. راجع به حضرت محمد (ص) می‌پرسه و اینکه چرا با حضرت علی (ع) دوست بود؟ راجع به امام حسن و امام حسین می‌پرسه. بهش یاد می‌دم که موقع آب خوردن بگه سلام بر حسین و معمولاً از ته دل هم میگه» (مصاحبه‌شونده شماره ۸).

«با خودمون می‌بریم نماز عید که از هم از لحاظ اعتقادی و هم از لحاظ اجتماعی پیشرفت داشته باشه» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۳).

۳.۴. حضور در مراسم مذهبی (سوگواری پیامبر و امامان، برنامه‌های رحلت و...)

در آیین اسلامی، حضور در مراسم دینی (همچون سوگواری پیامبر و امامان علیهم‌السلام، برنامه‌های رحلت و...) از جمله مناسباتی است که به فراوانی در فرهنگ مردم ایران دیده می‌شود. این امر از دید مشارکت‌کنندگان به‌عنوان یکی از راه‌هایی تلقی می‌شود که با توجه به آن می‌توان به کودکان مسائل دینی را آموزش داد. این تجربه در اظهارات افراد مورد مصاحبه چنین بیان شده است:

«ما برای افطاری احسان می‌دیم خود بچه‌ها با دیدن یاد می‌گیرن نیازی به گفتن نیست و شب ۲۱ رمضان افطاری رو تو مسجد می‌دیم با این کارامون بچه‌ها خودشون علاقه‌مند میشن که روزه بگیرن، هر دو تا شونم روزه کله گنجشگی می‌گیرن. البته دخترم از پسرمتقدتره، پسرمت بعضی مواقع سستی می‌کنه ولی دخترم پایندتره» (مصاحبه‌شونده شماره ۸).

«در مناسبت‌های دینی شرکت می‌کنیم و راجع به اونا توضیح می‌دم (راجع به تاسوعا و عاشورا موقعی که عزاداری و دسته میریم). پسرمت راجع به مناسبت‌ها دید کلی دارن و راحت جذب میشن (برعکس دخترمت) و بیشتر به پدر تمایل دارن» (مصاحبه‌شونده شماره ۹).

«از مراسمات دینی ماه محرم را می‌دونه برای چی هستش و تو مراسمات با هم می‌ریم و از همون بچگی نذری دادیم که بچه‌ها پنخس کنن و می‌دونن روز عاشورا امام حسین کشته شده» (مصاحبه‌شونده شماره ۱).

۴.۴. سفرهای زیارتی

گردشگری زیارتی شامل سفرها و بازدیدهایی می‌شود که اصلی‌ترین هدف آنها تجربه دینی است. سفر کربلا، مشهد و قم و سفرهای زیارتی دیگر، فرصت مناسبی است تا اعضای خانواده با هم در انتقال ارزش‌های متعالی تلاش کنند و همگرایی دینی بین آنها برقرار شود. در این سفرها والدین اوقات بیشتری را در کنار فرزندان هستند و در فضای معنوی می‌توانند با انتقال ارزش‌های دینی و باورهای فرهنگ اصیل شیعی به فرزندان، نقش اصلی خود را ایفا کنند.

«بچه‌ها عاشق مسافرت مشهدن، زیارت امام رضا رو خیلی دوست دارن و اونجا نماز و قرآن با هم می‌خونیم» (مصاحبه‌شونده شماره ۹).

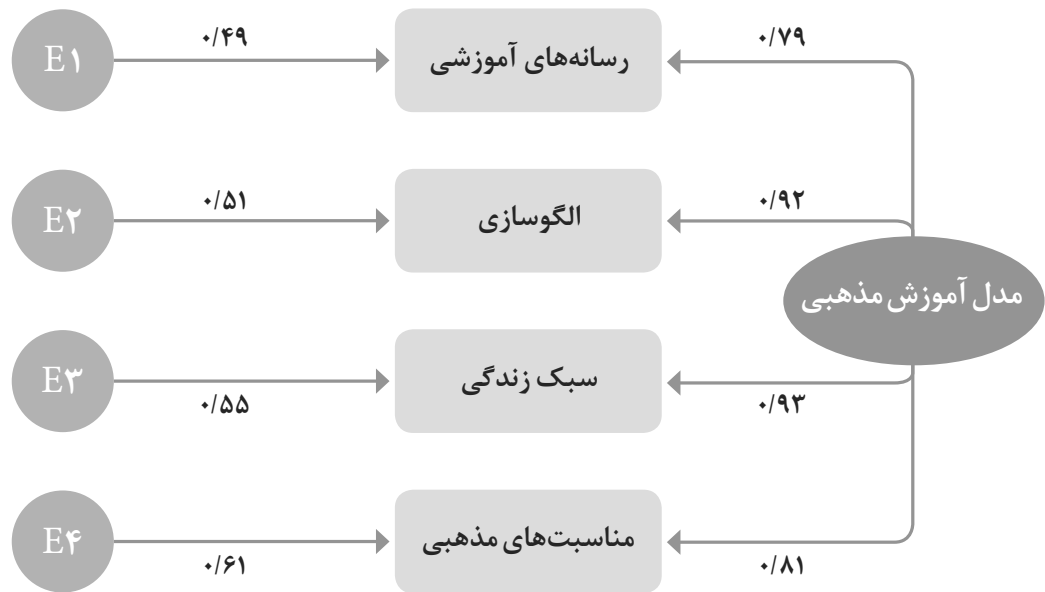
«خانواده من و همسر همگی به اهل بیت اهمیت می‌دیم و ارزش کارهای اونها رو به بچه‌ها یاد می‌دیم. به‌خاطر همین، خانوادگی زیارت کربلا و مشهد و قم رفتیم. البته شکر خدا به مکه هم مشرف شدیم» (مصاحبه‌کننده شماره ۸).

«امام‌زاده قریب حسن نزدیک روستای ماست، زود به زود می‌ریم و از مربیان آموزش اونجا استفاده می‌کنیم» (مصاحبه‌شونده شماره ۵).

«رفتارهای خودمون و اشخاصی که برای زیارت به مشهد میان برای بچه‌ها خیلی جالبه و ازشون یاد می‌گیرن، علی‌الخصوص زائرهایی که از کشورهای خارجی اومدن برای زیارت، تأثیر خوبی روی بچه می‌ذاره و باعث علاقه بیشترشون به ائمه می‌شه» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۰).

تحلیل تأییدی

در تحقیق حاضر برای اینکه مشخص شود که شیوه‌های آموزش مذهبی مستخرج از بخش کیفی، در بین والدین تا چه اندازه مورد تأیید است، پرسش‌نامه‌ای مبتنی بر یافته‌های تحقیق تنظیم و در بین والدین توزیع گردید؛ تعداد ۲۲۲ نفر به گویه‌های پرسش‌نامه پاسخ دادند. و مدل آموزش ارائه شده تحقیق براساس فنون معادلات ساختاری تأییدی مورد بررسی قرار گرفته است که یافته‌های مرتبط با آن در ادامه گزارش می‌گردد. مدل ارائه شده برای بررسی برازش آن، در تحقیق حاضر به صورت زیر شماره ۲ شده است:



شکل ۲. تحلیلی تأییدی متغیرها

با توجه به این که مدل معادلات ساختاری به نرمال بودن داده‌ها حساس است، ابتدا نرمال بودن داده‌ها بررسی می‌شود؛ کلاین (Kline, 2011) در مورد توزیع متغیرها پیشنهاد می‌کند که قدر مطلق چولگی و کشیدگی متغیرها به ترتیب نباید از ۳ و ۱۰ بیشتر باشد. با توجه به جدول ۱، قدر مطلق چولگی و کشیدگی تمامی متغیرها کم‌تر از مقادیر مطرح شده است. بنابراین، این پیش فرض مدل یابی علی؛ یعنی نرمال بودن تک‌متغیری برقرار است.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

کشیدگی		چولگی		انحراف استاندارد	میانگین	بیشترین مقدار	کمترین مقدار	نام متغیر
خطای استاندارد	آماره	خطای استاندارد	آماره					
۰/۳۲۵	-۰/۵۲۸	۱۶۳	-۰/۱۷۷	۱/۹۹۹	۵/۲۲۸	۱۵	۳	مؤلفه «الگوسازی»
۰/۳۲۵	-۰/۸۲۷	۰/۱۶۳	-۰/۱۸۱	۲/۰۱۴	۴/۴۹۸	۲۰	۴	مؤلفه «سبک زندگی»
۰/۳۲۵	-۰/۱۵۸	۰/۱۶۳	-۰/۱۲۹	۱/۵۷۹	۴/۷۷۵	۲۰	۴	مؤلفه «رسانه‌های آموزشی»
۰/۳۲۵	-۰/۷۱۲	۰/۱۶۳	-۰/۰۸۱	۲/۰۴۲	۵/۰۵	۲۰	۴	مؤلفه «محیط‌ها و مناسبت‌های مذهبی»

مطابق با جدول ۲، آماره‌های کشیدگی و چولگی در مؤلفه‌ها در سطح مناسبی قرار دارند و توزیع داده‌ها نرمال است. برای انجام تحلیل معادلات ساختاری در نرم‌افزار AMOS، ابتدا شروط «مشخص بودن مدل» یعنی «مقادیر درجه آزادی و آماره خی دو» ($X^2=21/197, df=2$) بررسی شدند، برون داد نرم‌افزار حاکی از آن است که این دو شرط در مدل پیشنهادی برآورد شده‌اند. در گام بعدی شاخص‌های برازش مدل بررسی شدند. مقادیر مورد قبول و مقادیر به دست آمده در این مدل در جدول ۳، ارائه شده‌اند.

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل اصلاح شده

شاخص کفایت حجم نمونه		ریشه دوم میانگین مربعات		شاخص مقتصد بودن			شاخص برازش تطبیقی		شاخص آماره مربع کای		شاخص‌های مورد نظر
۰/۰۵	۰/۰۱	RMSEA	PCLOSE	PRATIO	PNFI	PCFI	NFI	CFI	P	CMIN/DF	
>۲۰۰	<۰/۱۷۴	>۰/۰۵	>۰/۵۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۰۵	<۲				مقادیر قابل قبول
۶۳	۹۷	۰/۲۰۸	۰/۰۰۰	۰/۳۳۳	۰/۳۱۰	۰/۳۱۲	۰/۹۳۱	۰/۹۳۶	۰/۰۰۰	۱۰/۵۹۹	مقدار فعلی

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، شاخص‌های مربع کای، برازش تطبیقی، ریشه دوم میانگین مربعات، مقتصد بودن است و شاخص کفایت حجم نمونه، هیچ‌یک از برازش مناسبی برخوردار نیستند. پس مدل نیاز به اصلاح دارد. شاخص‌های اصلاح مدل بررسی و اعمال شدند. بررسی برازش و اصلاح مدل تا دستیابی به برازش مناسب ادامه پیدا کرد تا مدل نهایی به دست آمد. در مدل اصلاح شده «شرط رتبه» و «شرط مرتبه» به صورت زیر به دست آمد ($X^2=1/863, df=1$). بدین ترتیب مدل اصلاح شده، هر دو شرط رتبه و شرط مرتبه را داراست؛ چرا که درجه آزادی آن برابر (۱) و آماره خی دو برابر (۱/۸۶۳) به دست آمد. از این رو، شاخص‌های برازش مدل بررسی می‌شوند. شاخص‌های برازش مدل اصلاح شده، در جدول ۴، ارائه شده است.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل اصلاح‌شده

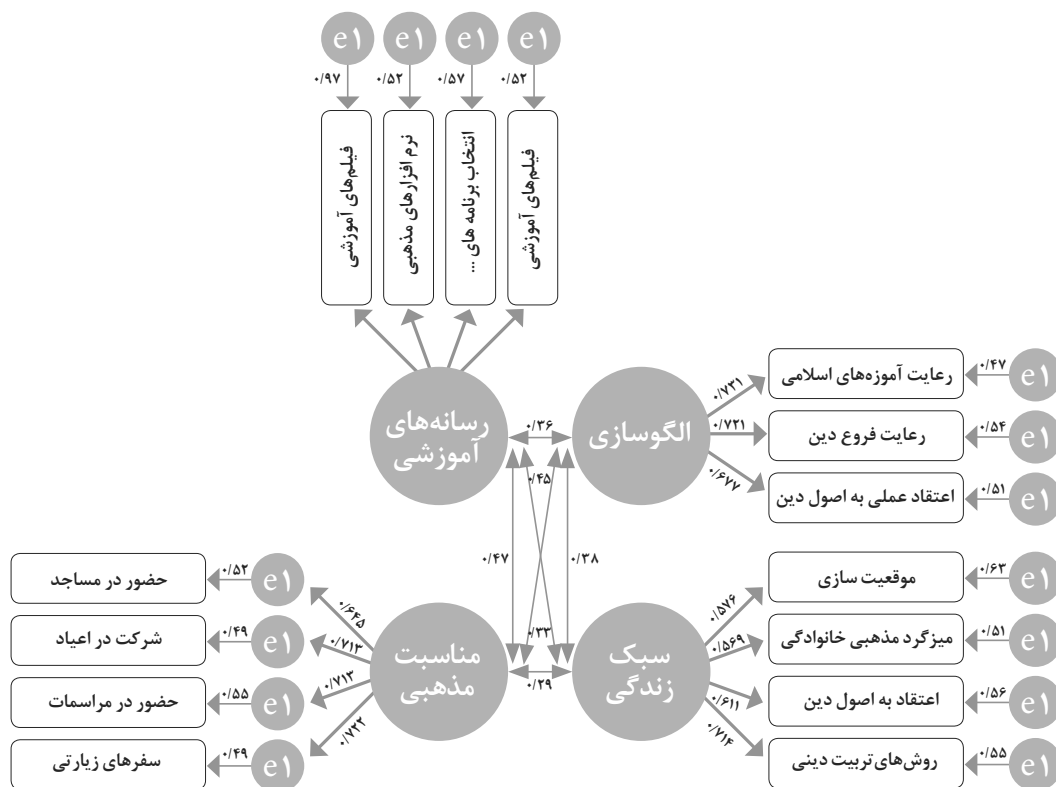
شاخص کفایت حجم نمونه		ریشه دوم میانگین مربعات		شاخص مقتصدبودن			شاخص برازش تطبیقی		شاخص آماره مربع کای		شاخص‌های موردنظر
۰/۰۵	۰/۰۱	RMSEA	PCLOSE	PRATIO	PNFI	PCFI	NFI	CFI	P	CMIN/DF	
>۲۰۰		<۰/۰۵	>۰/۰۵	>۰/۵۰			>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۰۵	<۲	مقادیر قابل قبول
۴۵۶	۷۸۸	۰/۰۳۲	۰/۲۸۵	۰/۱۶۷	۰/۱۶۶	۰/۱۶۶	۰/۹۹۴	۰/۹۹۷	۰/۱۷۲	۱/۸۶۳	مقدار فعلی

همان‌طور که در جدول ۴ نشان داده شده است، تمام شاخص‌های مدل از برازش مناسبی برخوردار هستند. بدین ترتیب می‌توان گفت، فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر این که «مدل شیوه‌های آموزش مذهبی کودکان در بین والدین از برازش مناسب برخوردار است» تأیید می‌شود. بنابراین، برآوردهای مدل بررسی و فرضیه‌های پژوهش بررسی می‌شوند.

جدول ۵. نتایج حاصل از ارزیابی مدل ساختاری

نتیجه	سطح معناداری	مقدار بحرانی	خطای استاندارد	ضرایب استاندارد	ضریب رگرسیون	نوع رابطه	شیوه‌های آموزش مذهبی	
تأیید	۰/۰۰۲	۱۲/۲۲	۰/۵۱	۰/۹۲	۱/۰۰۰	مؤلفه «الگوسازی»		< - - -
تأیید	۰/۰۰۲	۱۱/۲۰۲	۰/۱۰۷	۰/۹۳	۱/۲۰۲	مؤلفه «سبک زندگی»		< - - -
تأیید	۰/۰۰۴	۱۰/۶۴۲	۰/۰۷۲	۰/۷۹	۰/۷۷۶	مؤلفه «رسانه‌های آموزشی»		< - - -
تأیید	۰/۰۰۴	۱۲/۰۴۹	۰/۰۹۸	۰/۸۱	۱/۲۰۱	مؤلفه «محیط‌ها و مناسبت‌های مذهبی»	< - - -	

در این مدل تحقیق، ابعاد چهارگانه مدل مفهومی تحقیق، یعنی مؤلفه‌های «الگوسازی»، «سبک زندگی»، «رسانه‌های آموزشی» و «محیط‌ها و مناسبت‌های مذهبی» بر متغیر شیوه‌های آموزش مذهبی والدین به کودکان پیش‌دبستانی برازش دارند و تأثیرگذار هستند. و مدل نهایی به صورت شکل ۳ ارائه می‌گردد:



شکل ۳. مدل برازش شده و نهایی تحقیق

بحث و نتیجه‌گیری

نقش دین و تعلیمات آن در زندگی فردی و اجتماعی آن قدر قدرتمند است که متفکرانی مانند دورکیم، بینگر، برگر و مارکس، آن را عاملی برای آرامش بخشیدن به انسان می‌دانند. در هر اجتماعی، توجه ویژه‌ای به آموزش مذهب شده است و افراد مختلفی از قبیل روحانیون، معلمان مدارس، رسانه‌های جمعی و والدین گوشه‌ای از مسئولیت آموزش اصول و مبانی مذهبی به کودکان را بر عهده گرفته‌اند. محققان نشان داده‌اند که آموزش مذهب یکی از کارهایی است که روح انسان از طریق آن به آرامش می‌رسد (Baftiu, 2015) لذا مبادرت کردن به آموزش اصول دینی - مذهبی نه تنها برای آموزش گیرنده بلکه برای آموزش نیز آرامش و سبکی روح به همراه دارد. از این رو، تحقیق حاضر با هدف واکاوی راهبردهای آموزش‌های مذهبی والدین به کودکان پیش‌دبستانی و برازش مدل ارائه شده انجام شد. در این راستا اولین هدف تحقیق عبارت بود از: شناسایی شیوه‌ها یا راهبردهای آموزش مذهبی کودکان پیش‌دبستانی در خانواده‌ها.

نتایج تحقیق نشان داد که خانواده‌ها در چهار مضمون یا تم کلی برنامه‌های مذهبی

خود را در خانواده‌ها اعمال می‌کنند که عبارت‌اند از: مراقبت و الگوسازی، بهره‌گیری از رسانه‌های آموزشی، تنظیم سبک زندگی و در نهایت با استفاده از حضور در محیط‌ها و مناسبت‌های مذهبی.

اولین یافته تحقیق حاضر، تأکید بر مراقبت و نقش الگوها در شکل دادن به زندگی و آینده دینی کودک است. این یافته با نتایج پژوهش آقامحمدی (۱۳۹۵) و سوهانی و همکاران (۱۳۹۶) همسو است. در این زمینه باید گفت که اصولاً تربیت، و به‌ویژه آموزش دینی بر اساس دستورات عملی و مدل‌هایی خواهد بود که والدین و مربیان به کودک عرضه می‌کنند. کودک هر رفتاری را از والدین خود ببیند از آن تبعیت خواهد کرد، خواه رفتاری سالم باشد و خواه ناسالم؛ زیرا کودک با رفتار کردن شبیه والدینش، مهر و محبت آنها را حفظ و از تنبیه و سرزنش آنها پرهیز می‌کند. بدیهی است وقتی کودکان به‌طور عملی با رفتار پدران و مادران که مظاهری از این کمال و جمال هستند، برخورد کنند، بی‌اختیار شیفته و بی‌قرار و به‌سوی الگوی خوب جذب می‌شوند؛ زیرا کودکان در تقلیدپذیری مشهور هستند. آنها بسیاری از رفتارها و حرکات را از طریق تقلید کردن از دیگران و بزرگ‌ترها می‌آموزند. اسلام نیز به روش مراقبت و الگویی بسیار تکیه دارد و در ترسیم برنامه‌تربیتی همواره به این فن به‌عنوان شیوه‌های بسیار مؤثر نگاه می‌کند (نواح، فاضلی، رجایی و مقتدایی، ۱۳۹۵). حضرت امام صادق فرمودند: «كُونُوا دَعَاةً لِلنَّاسِ بِالْخَيْرِ بغيرِ اَلْسِنَتِكُمْ؛ یعنی مردم را به غیر زبان‌هایتان به نیکی دعوت کنید (کلینی، ۱۳۸۸: ۱۰۵). ایشان دعوت با عمل را مؤثرتر از دعوت از طریق سخن می‌دانست. قرآن کریم در زمینه تأثیرگذاری رفتار و گفتار خانواده بر فرزندان چنین می‌فرماید: «وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا؛ و هنگامی که کار زشتی انجام می‌دهند، می‌گویند: پدران خود را بر این عمل یافتیم» (اعراف، ۲۸). و در آیه دیگر می‌فرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُم اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا؛ و هنگامی که به آنها گفته شود، از آنچه خدا نازل کرده است، پیروی کنید، می‌گویند: نه، ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می‌کنیم» (بقره، ۱۷۰). در تبیین این یافته می‌توان از نظریه هوور-دمپسی و سندلر در مورد مشارکت والدین در آموزش و تربیت کودکان اشاره نمود که معتقد بودند یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر مشارکت والدین در تربیت فرزندانشان «اعتقادات و باورهای والدین» است بر این اساس چون والدین به باورها و اعتقادات خود ارزش قایل هستند

برای آموزش آنها به فرزندانشان نیز انگیزه لازم نشان می‌دهند و در این فرآیند به‌طور فعالانه مشارکت می‌کنند.

دومین نتیجه تحقیق، تأکید بر ارائه نوعی شیوه یا سبک زندگی اسلامی در خانواده‌هاست. این یافته با نتایج پژوهش رحمانی نودوزقی و محمدزاده (۱۳۹۵) و شریفی و لطفی (۱۳۹۲) هم‌خوانی دارد. در تبیین این یافته نیز باید گفت که سبک زندگی مبتنی بر آرمان‌های ایرانی و اسلامی یکی از اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تربیت کودک است. سبک زندگی خانوادگی در آیین اسلام همانند درختی است که ریشه‌ها و ساقه‌های آن را بینش‌ها و نگرش‌های اعضای خانواده و شاخه‌های آن را وظایف اعضای خانواده تشکیل می‌دهد. باورها و اندیشه‌ها که ریشه‌های سبک زندگی خانوادگی هستند، نقش اساسی در زندگی خانوادگی دارند (شریفی و لطفی، ۱۳۹۲: ۱۸۲). بنابراین، خانواده در شکل‌گیری وجهه نظرها، ارزش‌ها و باورداشت‌های افراد نقش اصلی را بر عهده دارد و بر نوع روابطی که فرد با عوامل و نهادهای اجتماعی دیگر دارد، تأثیر می‌گذارد. با ارائه شیوه و سبک زندگی اسلامی و نیز استقرار نوعی فضای معنوی و فرهنگی در خانواده می‌توان فرصت بسیار مناسبی را برای رشد فطرت خداجویی و ایجاد و ارضای تمایلات دینی در خانواده ایجاد کرد. نتایج پژوهش‌ها بیانگر آن است که یکی از مهم‌ترین محیط‌هایی که می‌تواند به‌صورت منظم را در «سبک زندگی اسلامی» درون افراد نهادینه کند و به جامعه رسوخ کند، خانواده است؛ خانواده‌ای که سرشار از جاذبه الهی، یعنی مودت، محبت، رحمت، شفقت و آرامش روانی است (رهنما، فراهانی و نجفی، ۱۳۹۲). در واقع، این والدین هستند که اساس صحت اخلاقی فرد را بنیان‌گذاری می‌کنند و ارزش‌های اخلاقی را در او نهادینه می‌سازند. لذا، والدین باید رنگ و بوی زندگی خود و خانواده خود را مذهبی کنند، چنان‌که رفتار و گفتار، رفت‌وآمدها، معاشرت‌ها، خورد و خواب‌ها و موضع‌گیری‌ها همه رنگ مذهب داشته باشند. نماز خود را در اول وقت بخوانند و برنامه کار و بازی کودک را طوری ترتیب دهند که در آن ساعت فارغ‌بال و با والدین همراه باشند؛ روح خیرخواهی نسبت به هم‌نوع را در خود زنده و متجلی سازند تا فرزند نیز از آنان درس بیاموزد؛ در برخوردها خوش‌رو باشند که حاصل آن عملاً خوش‌رویی فرزندشان باشد و در همه آنچه مورد نظر است به‌طور مداوم و مستمر عمل کنند تا این خوی‌ها در خودشان و فرزندانشان به‌صورت عادت درآید.

یافته دیگر بر نقش رسانه‌های آموزشی و بهره‌مندی از آنها برای ارائه آموزش‌های مناسب در راستای برنامه‌های مذهبی تأکید دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های محسن‌زاده (۱۳۹۵) و کریمی و قویمی (۱۳۹۶) همسوست. محسن‌زاده (۱۳۹۵) معتقد است یکی از کارکردهای رسانه، آموزش، تبلیغ و ترویج پیام‌های دینی است. بستر رسانه می‌تواند کانونی برای حرکت خانواده‌ها در راستای دین، بیداری اسلامی و کارکردهای عبادی، سیاسی، تبلیغی، آموزشی، تربیتی، مبارزاتی و نظامی امت اسلامی باشد. اصولاً رسانه‌های جمعی می‌توانند ابزار مناسبی برای انتقال محتوای دینی به مخاطبان باشند (کریمی و قویمی، ۱۱۱). همزمان با پیشرفت بشر و ظهور تکنولوژی‌های جدید ارتباطی و هنری، اگر شیوه انتقال و جلوه‌گر ساختن پیام‌های دینی و ترویج مذهب با جذابیت‌بخشی ویژه‌ای در قالب‌های هنری خاص، همراه شود می‌تواند مورد توجه جامعه هدف به‌ویژه کودکان و نوجوانان قرار گیرد. همچنین، ایجاد چنین بستری می‌تواند به ترغیب، تشویق و اقناع مخاطبان منجر شود و اهداف تبلیغی، اطلاع‌رسانی و آموزشی رسانه را تأمین کند و آثار و برکات فراوانی داشته باشد. استفاده از این فضا می‌تواند سبب تعالی و افزایش آگاهی انسان‌ها در زمینه اصول و فروع دین و اشاعه فرهنگ ناب محمدی شود. آخرین یافته تحقیق، تأکید والدین بر نقش خطیر محیط‌ها و مناسبت‌های دینی در شکل‌گیری و تعمیق باورها و احساسات دینی دانش‌آموزان پیش‌دبستانی است. این یافته با نتایج پژوهش ثامنی و حق‌پناه (۱۳۹۲) همسو است. آنها بر این باورند که قرار گرفتن کودک در محیط‌های فرهنگی و دینی می‌تواند نقش به‌سزایی در رشد باورها و اعتقادات دینی فرزندان داشته باشد. بر این اساس، باید گفت هر چند برخی ویژگی‌های شخصیت با پایه و اساس ژنتیک و فطرت در فرد وجود دارند؛ اما ظهور و بروز آنها به شرایط محیطی بستگی دارد. در واقع، تجاربی که فرزند از محیط و شرکت در مراسم کسب می‌کند، ارتباط و تعاملی که با محیط دارد، بازخوردها و تأثیراتی که از محیط دریافت می‌کند، در رشد و شکل‌گیری باورهای دینی فرزندان بسیار مؤثر است. در واقع، شرکت در مراسم دینی فرصت بسیار مناسبی است تا والدین با انتقال ارزش‌های دینی و باورهای فرهنگ اصیل دینی به فرزندان، نقش اصلی خود را ایفا کنند.

دومین هدف تحقیق، بررسی برآزش مدل مفهومی تحقیق، یعنی مؤلفه‌های «الگوسازی»، «سبک زندگی»، «رسانه‌های آموزشی» و «محیط‌ها و مناسبت‌های

مذهبی» بر متغیر شیوه‌های آموزش مذهبی والدین به کودکان پیش دبستانی بود. یافته‌های مربوط به مدل معادلات ساختاری نشان داد که راهبردهای چهارگانه آموزش مذهبی از نظر والدین موثرند؛ بررسی یافته‌های مدل حاکی از آن بود که مؤلفه «الگوسازی» در مدل بیشترین سطح تأثیرگذاری داشت و در مرتبه دوم «مؤلفه سبک زندگی» والدین قرار دارد. این یافته با یافته‌های گوهری و غیور (۱۳۹۶)؛ سوهانی و همکاران (۱۳۹۶)؛ (Jor-gensen et al, 2017) و (Luyckx et al, 2007) هم‌خوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان آن را براساس نظریه انواع مشارکت والدین اپستین تبیین نمود به طوری که والدین با مشارکت فعالانه هم در مدرسه، هم در خانه و هم در اجتماع در تلاش هستند تا فرزندان خود را بر طبق چارچوب و رهنمودهای مذهب و دین خود تربیت نمایند. نتایج این پژوهش بیانگر لزوم توجه هرچه بیشتر والدین به مقوله آموزش‌های دینی با توجه به شکاف نسلی و تغییرات جدید جامعه در حوزه فرهنگی است.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود والدین در آموزش‌های مذهبی نسبت به تأثیرات این روش‌ها نیز آگاهی داشته و با توجه به اثرات این روش‌ها در تربیت دینی فرزندانشان بکوشند. هم‌چنین به محققان بعدی پیشنهاد می‌شود تأثیر مدل آموزشی مذکور را در جوامع مختلف آماری به شیوه‌های متفاوت تحقیق آزمون کنند تا با اطمینان بیشتری بتوان از اثرات این شیوه‌ها سخن گفت. در نهایت هر تحقیقی با محدودیت مواجه است که این تحقیق نیز از این امر مستثنی نیست که یکی از این محدودیت‌ها عدم تمایل پاسخ‌گویی برخی افراد نمونه به پرسش‌نامه بود و هم‌چنین نظرات خانواده‌های موجه مذهبی و مورد تأیید اولیای مراکز و محل زندگی، مورد بررسی قرار گرفته است لذا در تعمیم نتایج باید جانب احتیاط را رعایت نمود.

قرآن مجید

- آقامحمدی، جواد. (۱۳۹۵). طراحی الگوی خانواده صالح و شایسته و نقش آن در تربیت دینی فرزندان. بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۳(۳۸): ۹۷-۱۲۴.
- باهنر، ناصر. (۱۳۸۸). تعلیم و تربیت و دنیای ناشناخته دینی کودکان. مجموعه مقالات همایش تربیت دینی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۷۵۱-۷۷۹.
- تذهیبی، نسرين و جوادنیا، امیر. (۱۳۹۵). تربیت دینی کودکان در دوره پیش از دبستان. فصلنامه تخصصی پیوند، ۳۱۹: ۱-۱۰.
- ثامنی، محمد و حق‌پناه، رضا. (۱۳۹۲). مؤلفه‌های مؤثر در تربیت دینی فرزندان. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۱۹(۹۹): ۱۰۵-۱۳۵.
- جعفری‌زاده، فاطمه و حجتی، حمید. (۱۳۹۶). تأثیر قصه‌های قرآنی بر عزت نفس کودکان پیش دبستانی گنبد کاووس. آموزش پرستاری، مدیریت و پرستاری بالینی، ۱۲(۴۸): ۶-۱.
- حاجی‌بابایی، حمید. رضا. (۱۳۹۱). نقش خانواده در تربیت اسلامی. پیوند، ۳۹۷: ۳-۵.
- حکیم‌زاده، رضوان؛ میرزاییگی، محمد علی و رسولی سقایی، مقصود. (۱۳۹۲). نیازسنجی آموزشی برنامه‌های آموزش خانواده برای اولیاء دانش‌آموزان ناحیه یک تبریز. فصلنامه آموزش و ارزشیابی، ۲۴: ۲۶-۷.
- رحمانی نودوزقی، رقیه و محمدزاده، فاطمه. (۱۳۹۵). تأثیر سبک زندگی اسلامی خانواده در رفتار فردی و اجتماعی فرزندان. همایش سراسری علمی پژوهشی سبک زندگی، خراسان رضوی.
- رهنما، اکبر؛ فرمبهنی فراهانی، محسن و نجفی، حسن. (۱۳۹۲). بررسی راهکارهای کاربردی‌سازی سبک زندگی اسلامی در نهاد خانواده، برگرفته از احادیث. پژوهش‌نامه تربیت تبلیغی، ۱(۱): ۹-۱.
- زینال‌پور، سمیرا و کیهان، جواد. (۱۳۹۷). پدیدارشناسی شیوه‌های آموزش مذهبی والدین به کودکان پیش‌دبستانی. فصلنامه علوم تربیتی از دیگاه اسلام، ۶(۱۱): ۹۱-۶۹.
- سوهانی، عاطفه؛ امیری قائمی، علی؛ وکیلی، نجمه و آهانگران، خلیل. (۱۳۹۶). تبیین نقش مربیان و والدین در تعمیق باورهای دینی در کودکان با رویکرد قرآنی. فصلنامه مطالعات قرآنی، ۳(۸): ۸۶-۶۷.
- شریفی، عنایت الله و لطفی، مهرعلی. (۱۳۹۲). سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان. پژوهش‌نامه معارف قرآنی، ۴(۱۴): ۱۰۰-۸۱.
- شعاع کاظمی، مهرانگیز؛ اوشانی، حسین و نقیب، فرزانه. (۱۳۹۴). رابطه آموزه‌های دینی والدین و رشد اخلاقی کودکان پیش‌دبستانی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۰(۸): ۸۶-۶۷.
- شمشیری، بابک و نودری، مرضیه. (۱۳۹۷). ارائه الگوی بومی: تربیت دینی کودکان پیش‌دبستانی از طریق مصاحبه با صاحب‌نظران. فصلنامه رشد آموزش پیش‌دبستانی، ۳۷: ۴۷-۴۲.
- فتحی‌اجارگاه، کوروش؛ خراسانی، اباصلت و رودی، محمدتقی. (۱۳۹۱). علل گرایش به آموزش در خانه از نظر والدین کودکان آموزش دیده در خانه: مطالعه کیفی تجربیات والدین. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۹(۲): ۱۴-۱.
- کریمی، حمید و قویمی، فاطمه. (۱۳۹۶). نقش رسانه جمعی (تلویزیون) در آموزش دینی کودکان (مطالعه موردی: دانش‌آموزان منطقه ۷ آموزش و پرورش استان تهران). پژوهش ملل، ۲(۱۹): ۱۲۳-۱۱۱.
- کلینی، محمد یعقوب. (۱۳۸۸). اصول کافی، ترجمه لطیف راشدی. جلد دوم. قم: انتشارات اجود.
- کمیحانی، داوود و فریادرس، زینب. (۱۳۹۴). آشنایی با ساختار تربیت دینی و راه کارهایی برای پذیرش آن در سنین کودکی. دو فصلنامه آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، ۱(۲): ۱۸-۱.
- گوهری، الهام و غیور، فرزاد. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر عوامل انگیزشی، دینی و رفتار مالی والدین بر رفتارهای مالی

- جوانان: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه‌های شهر ارومیه. *دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری*، ۲(۳): ۱۰۹-۸۷.
- مجلسی. محمد الباقر. (۱۳۶۲). *بحارالانوار*: تهران: دالالکتب السلامیه. ج ۷۱.
- محسن‌زاده، محمد جواد. (۱۳۹۵). جایگاه رسانه در ترویج دین در بین عموم مردم به‌ویژه جوانان. *دوفصلنامه دین و دین‌داری*، ۱(۱): ۸-۱.
- مهدوی کنی، محمد سعید. (۱۳۸۷). مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، ۱(۱): ۵-۱.
- نواح، عبدالرضا؛ فاضلی، عبدالله؛ رجایی، محمد صادق و مقتدایی، فاطمه (۱۳۹۵). سبک زندگی و مصرف فرهنگی: با تأکید بر مطالعه آزاد در شهر اهواز، *فصلنامه توسعه اجتماعی*، ۱۰(۳): ۲۸-۷.

- Arold, B., Woessmann L., and Zierow L. (2019). Can Schools Change Religious Attitudes? Evidence from German State Reforms of Compulsory Religious Education
- Baftiu, Z. (2015). Religious education through communication in media. *Master thesis in University of Prishtine*.
- Braten, O. M., & Everington, J. (2019). Issues in the integration of religious education and worldviews education in an intercultural context. *Intercultural Education*, 30(3), 289- 305.
- Bunnell, P.W. (2016). parental involvement in elementary children's religious education: a phenomenological approach. *Ph.D. Dissertation in Liberty University*.
- Campante, F., & Yanagizawa- Drott, D. (2015). Does religion affect economic growth and happiness. Evidence from Ramadan. *Quarterly Journal of Economics*, 130 (2) :615- 658.
- Epstein, J. (2007). Connections count: Improving family and community involvement in secondary schools. *Principal Leadership*, 8(2), 16- 22.
- Hoover- Dempsey, K.V., & Sandler, H. M. (1997). Why do parents become involved in their children's education? *Review of Educational Research*, 67(1), 3- 42.
- Jorgensen, B. L., Rappleyea, D. L., Schweichler, J. T., Fang, X., & Moran, M. E. (2017). The financial behavior of emerging adults: A family financial socialization approach. *Journal of Family and Economic Issues*, 38(1), 57- 69.
- Kline, R. B. (2011). *Convergence of structural equation modeling and multilevel modeling*. Na.
- Luyckx, K., Soenens, B., Vansteenkiste, M., Goossens, L., & Berzonsky, M. D. (2007). Parental psychological control and dimensions of identity formation in emerging adulthood. *Journal of Family Psychology*, 21(3), 546
- Streubert , H. J., & Carpenter, D. R. (2007). Qualitative research in nursing. Advancing the humanistic imperative. *Journal of nursing inquiry*, 13(3), 236- 228.
- Taylor- Powell, E., & Renner, M. (2003). *Analyzing qualitative data*. University of Wisconsin-Extension Cooperative Extension Madison, Wisconsin.